

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

انجنیر محمد ها شم رائق

۱۲ فبروری ۲۰۲۲

کابل در شاهنامه

از ویکی پدیا، دانشنامه آزاد

به موجب روایات اسطوره های حماسی کهن در شاهنامه بازتاب یافته، گرشاسب جد اعلاى رستم جهان پهلوان معروف، در شهر کابل عاشق دختر پری چهره کابلی شد و توسط پیرمردی به نام "نیهاک" از پای درآمد و در یکی از دره های کابلستان به خواب مصنوعی فرو رفت و تا پایان دنیا همچین در خواب خواهد بود. به موجب روایات اوستائی نطفه زردشت در رود خانه هلمند وجود دارد و در اواخر زمان هنگامی که دنیا را تیرگی و سیاهی، ظلم و ستم فرا می گیرد. "سوشیانت" از نطفه زردشت ظهور می کند و در آن هنگام فرشته هائی از آسمان فرود می آید و برای بیدار کردن گرشاسب، از خواب طولانی سه بار می خروشد و با خروش سوم او گرشاسب از خواب مصنوعی در دل یکی از دره های کابل بیدار می شود و گرز خود را گرفته در کنار سوشیانت به راه می افتد و دنیای پر ظلمت، بیداد و ستم را از عدل و داد می سازد.

نوت: برای مزید معلومات به روایت شاهنامه

رستم پهلوان (خانمش تهمنه دختر شاه سمنگان)

پدر رستم (زال زر، یا زال دستان – خانم زال یعنی مادر رستم "رود آبه" دختر مهرباب شاه کابلی خانمش سیندخت)

پدر زال یعنی پدر کلان رستم (سام نریمان پهلون فرمانروای سیستان)

پدر سام نریمان یعنی جد رستم پهلوان (گرشاسب)

این هم از شاهنامه است: شمشیر و خنجر کابلی

در شاهنامه از شمشیر و خنجر کابلی فراوان سخن رفته است. این شمشیرها و نیزه ها ابزار جنگی پهلوانان و مدافعان

رزم های ملی بوده اند. گاهی زیبا رویان را با خنجر کابلی تشبیه نموده و جای دیگر کارائی شمشیر کابلی را در مقاله

های داد و بیداد سرنوشت ساز خوانده است. به چند نمونه توجه کنید

بگو تا سوار آورم زابلی که باشد با خنجر کابلی

سر مژه چون خنجر کابلی دوزلفش چوپیشان خط بابلی

بند ید یکسر مآیان یلی یا گرزوبا خنجر کابلی

کنون چندی گشت پشت یلی نتابم همی خنجر کابلی

به یک روی بر لشکر زابلی زره دارو با خنجر کابلی